

توضیح پیام فدائی: بدنیاال چاپ کتاب "چریکهای فدائی خلق و بختک حزب توده خائن"، نوشته رفیق اشرف دهقانی و درخواست های متعدد علاقه‌مندان برای دریافت آن، "پیام فدایی" میادرت به انتشار تدریجی متن این کتاب کرده است. در این کتاب مسایل متعددی مورد بحث و توضیح قرار گرفته اند که هر یک به لحاظ تاریخی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشند. اما مسئله اصلی در میان همه مسایل مطرح شده به واقع توضیح و تشریح پروسه هائی است که زمینه های تشکیل چریکهای فدائی خلق را ایجاد نمودند. بنابراین کتاب "چریکهای فدائی خلق و بختک حزب توده خائن" به طور برجسته چگونگی شکل گیری چریکهای فدائی خلق و مبارزاتی که در بطن رویداد های تاریخی معینی منجر به برپائی این سازمان و تحولی نوین در تاریخ مبارزاتی مردم ایران گشت را برای خواننده آشکار می سازد. به این اعتبار، این کتاب یک سند تاریخی برای علاقه‌مندان و بویژه نسل جوانی ست که خواهان آموختن تاریخ واقعی مملکت خویش می باشند. آن چه در مقابل شماست، از بخش ضمیمه این کتاب در صفحه ۱۸۸ برگرفته شده است که عنوان آن "رفیق اسکندر و آئینه خیانت اکثریت" نام دارد. بخش های دیگر این کتاب در شماره های مختلف "پیام فدایی" منتشر شده اند. لازم به ذکر است که بخش های مختلف این کتاب ارزشمند تاریخی در صفحه "پیام فدائی ها" و فایل صوتی این کتاب نیز در صفحه اصلی آدرس زیر قابل دسترس می باشند: [www.siahkal.com](http://www.siahkal.com)

اشرف دهقانی

## رفیق اسکندر و آئینه خیانت اکثریت

(در برخورد به نوشته ای از سازمان به اصطلاح فدائیان اکثریت به نام "آئینه سکندر")



در مورد این سند ننگین و مشمئز کننده متعلق به اکثریتی هائی که در دهه ۶۰، در یکی از حساس ترین و خون بارترین شرایط مبارزه طبقاتی جاری در جامعه، با یکی از پست ترین و رذل ترین جنایت کاران تاریخ یعنی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی به همکاری پرداختند، بسیار می توان نوشت. ولی در این جا که فرصت برخورد به تمام محتوای سند فوق نیست تنها باید گفت که متن این سند جلوه دیگری از پلیدی ها و زشتی های سازمان اکثریت و گنداب ضد انقلابی تهوع آور این جریان را به نمایش گذاشته است.

تردید نیست که متن فوق برای همه کسانی که از شرافت انسانی برخوردارند، جز خشم و نفرت شدید نسبت به نویسنده آن و همپالگی هایش ایجاد نمی کند. در این متن که به مناسبت جان باختن رفیقی نوشته شده است که حتی دشمنان طبقاتی‌اش یعنی همین اکثریتی ها هم نمی توانند درون پاک و بی آلابش و خصلت های فدائی او را انکار کنند، رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) در کنار ساواکی ها و جنایتکاران قرار داده شده است. به این ترتیب در این سند اوج رذالت اکثریتی ها به نمایش گذاشته شده؛ اوج رذالت کسانی که در "پیچیدگی ها و بغرنجی هایی که ذاتی گسترش روندهای انقلابی است" خود را چنان گیر افتاده و دست بسته و خوار و زبون در مقابل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی احساس می کردند که حاضر شدند نه فقط به جنایات و خونریزی های این رژیم در حق توده های وسیع مردم ایران مهر تأیید بزنند، بلکه با اقدامات عملی خود نیز تا آن جا که توانستند به یاری مزدوران دست اندر کار و پاسداران جمهوری اسلامی، این یکی از درنده خوترین حکومت های ضد خلقی تاریخ در سرکوب خونبار مردم ایران شتافتند. آن ها در این راه با پست ترین و رذل ترین جنایتکاران جمهوری اسلامی چون لاجوردی‌ها نیز به همکاری عملی دست زدند. آری، اکثریتی‌ها متن فوق را در شرایطی نوشته

اند که رژیم جمهوری اسلامی با حمله جنون آسا و کشتار زن و مرد و جوان و پیر و کودک - از میان آگاه ترین و شریف ترین توده های مردم ایران - دریائی از خون در کشور به وجود آورده بود؛ و این ها که در چنین شرایطی به همکاری با جنایتکاران و "کثیف ترین موجودات جهان" مشغول بودند، طبیعی است که رفیق گرامی سیامک اسدیان (اسکندر) را به این دلیل که با پاسداران خون آشام جمهوری اسلامی به درگیری مسلحانه پرداخته بود، محکوم و مجرم نشان دهند.

همان طور که دیده می شود در این متن، رفیق اسکندر عزیز که عاشق رهایی و آزادی زحمتکشان و توده های ستم دیده ایران بود و سلاح اش را درست در خدمت به این هدف به کار می گرفت، عاشق صرف سلاح جا زده شده. اما، اعتراف به جانی هم کرده اند وقتی نوشته اند که برای اسکندر این موضوع مطرح بود که "چرا دیگر بعد از انقلاب نباید با حکومت جنگید؟". آری چنین سنوالی به واقع برای رفقای واقعاً فدائی و خیلی از جوانان انقلابی تازه پیوسته به "سازمان" مطرح بود که چرا در شرایطی که هنوز سلطه امپریالیستی و مناسبات بورژوازی وابسته در کشور پا برجا بوده و خواست های برحق و انقلابی توده ها متحقق نشده، و انقلاب هنوز به ثمر نرسیده است، نباید از توده های انقلابی ایران در مقابل حملات رژیم جمهوری اسلامی و دژخیمان اش دفاع کرد و مبارزه مسلحانه آن ها را تقویت و در این راه به آن ها یاری رساند! اما، متأسفانه در آن مقطع کسانی در رأس آن سازمان قرار گرفته بودند که با منطق چنین سنوالاتی بیگانه بودند و مسلماً عناصر بعداً اکثریتی شده هم که بر موج خون شهدای گرانقدر فدائی و دست آوردهای ارزشمند مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی خلق سوار شده بودند، نقش بزرگی در بازداشتن اسکندر ها برای گام برداشتن در این جهت انقلابی ایفاء کرده و در جهت تثبیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حرکت کردند.

رفیق سیامک اسدیان یکی از یاران دکتر هوشنگ اعظمی، پزشک مردمی و انقلابی معروف بود که در سال ۱۳۵۳ به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و سعی کرد همه وجود خود را در راه تحقق آرمان های انقلابی این سازمان قرار دهد.